

شرق روزنامه

نگاه

اردوغان و غده‌ای سرطانی به نام «داعش»



اردشیر زارعی‌قنواتی

تحولات ترکیه به یک کلاف سردرگم تبدیل شده است که به دلیل سیاست‌های ماجراجویانه «رجب طیب اردوغان» در منطقه، هم‌اکنون به بدترین شکل ممکن این کشور را در وضعیت بی‌ثباتی قرار داده است. رئیس‌جمهوری ترکیه در رؤیای بازسازی امپراتوری عثمانی، از تمامی امکانات و ابزارهای موجود برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای خود استفاده کرد؛ چنانچه هم‌زمان با افزایش تنش و دخالت در امور کشورهای همسایه، سرکوب نیروهای منتقد سیاسی، هجوم به نهادهای مدنی و مطبوعات و قطبی‌کردن جامعه حول دوگانه سکولاریسم– اسلام‌گرایی، از شراکت با تروریسم بنیادگرا برای بی‌ثبات‌کردن رقبای منطقه‌ای خود نیز کوتاهی نکرد. هم‌زمانی و تجمع‌تمام این عوامل مختل‌کننده در عرصه سیاست‌گذاری کلان داخلی و خارجی توسط دولت آنکارا موجب شد تا رهبران این کشور به صورت هم‌زمان در یک منطقه بی‌ثبات و امنیتی دست به قمارِ بزنند که کارتهای بازی آن در دست بسیاری از رقباً و حتی متحدان تاکتیکی این کشور قرار داشت. همین گسترش عرصه منازعه و مرزهای خاکستری بحران، موجب شد تا هزینه اقدام برای دولت اردوغان به‌شدت بالا رفته و فراتر از توان مدیریتی یک دولت منزوی‌شده باشد. عملیات تروریستی شامگاه سه‌شنبه ۲۸ ژوئن که باعث مرگ ۳۶ نفر و زخمی شدن ۱۴۷ نفر دیگر شده است، نشانه‌های آشکاری از وضعیت بی‌ثبات ترکیه مدل اردوغان است. تمام نشانه‌ها، از نِسوع عملیات تا گزارشات اطلاعاتی که حتی توسط «بن‌علی ییلدیریم»، نخست‌وزیر، هم به آن اشاره شده است گویای آن است که عامل این حادثهٔ تروریستی، گروه‌های بنیادگرا و به احتمال نزدیک‌به‌یقین گروه «داعش» بوده است، اینکه این‌بار از همان ابتدا از سوی اردوغان و دیگر مقامات ارشد ترکیه بلافاصله انگشت اتهام به طرف داعش گرفته شد و برخلاف عرف معمول در بین دولتمردان ترکیه، نامی از حزب کارگزاران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک) نبرد نشد، نشان می‌دهد که نهادهای امنیتی این کشور از قبل اطلاعاتی در مورد احتمال اقدام تروریستی توسط داعش را رصد کرده بودند. از طرف دیگر هشدارهای امنیتی دولت آمریکا به شهروندان این کشور برای سفر نکردن یا احتیاط بیشتر برای حضور در اماکن عمومی ترکیه در طول چند هفته گذشته، اثبات‌کننده این معادست که حوزه عملیات تروریستی داعش به عمق خاک ترکیه کشیده شده است. در کنار این موضوع نباید این نکته را هم فراموش کرد که فشار روسیه و متحدان



غربی آنکارا درخصوص همکاری دولت اردوغان با داعش در ماه‌های اخیر موجب شده بود که تا حدود زیادی ارتباطات نزدیک گذشته بین آنان، با تغییر جهت به سمت همکاری امنیتی ترک‌ها با نهادهای اطلاعاتی غربی برای شناسایی و به‌دام‌انداختن این تروریست‌ها که معمولاً از ترکیه به‌عنوان پشت جبهه خود استفاده می‌کردند، پیش برود.

داعش هم مانند سلف خود، گروه «القاعده» که بعد از پایان ماه‌عسل خود رو به سوی آمریکا آورد و فاجعه ۱۱ سپتامبر را آفرید، همین‌اک بازی در زمین ترکیه را هدف قرار داده است. این داستان غربیی نیست چراکه تلقی تروریسم جهادی از اتحاد و همکاری بر مبنای ایدئولوژی و مناسبات آخرالزمانی است که در این تفکر عقب‌نشینی و پاپس‌کشیدن تنها با مجازات مرگ و انهدام رویه‌رو خواهد بود.

اگرچه اقدامات تروریستی قبلی داعش در ترکیه پیش از آنچه هدف نابودی ترکیه و تضعیف اردوغان را دنبال کند، اقداماتی بود برای درهم‌کوبیدن مخالفان اپوزیسیونی از جمله گروه‌بندی‌های کردی و چپ در ترکیه، ولی این‌بار ماهیت و ذات حمله به فرودگاه آتاتورک کاملاً متفاوت بوده و هدف، نقض ثبات این کشور و مجازات دوست‌های آن است که امروز با دشمن آنان هم‌پیمان نبوده‌اند. هرچند معمولاً عملیات‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده تروریستی چندماه یا حداقل چند هفته طول می‌کشد و این فاصله زمانی تا روز اقدام را باید در نظر گرفت، ولی تغییر سیاست در ترکیه که به‌تازگی موجب تجدید رابطه با اسرائیل شد و یک روز بعد هم اردوغان در نامه‌ای به «ولادیمیر پوتین» ضمن عذرخواهی از سرنگونی جنگنده سوخو ۲۴ روسی، خواهان عادی‌سازی و گسترش مناسبات با روسیه شد، می‌تواند نشانه‌هایی مبنی‌بر تغییر معادلات موجود باشد که از دید داعش نیز مطمئناً پنهان نمانده است. تغییر در روابط گروه داعش با دولت اردوغان تنها یک بخش از وضعیت کنونی است و بخش دیگری از آن در تغییر تاکتیک داعش در موقعیت فعلی عملی که به‌شدت زیر فشار قرار گرفته و به همین دلیل گسترش دامنه استراتژی خود به محیط پیرامونی را به‌عنوان یک عامل بازدارنده دنبال می‌کند. به همین دلیل هم‌اکنون ترکیه در وضعیتی قرار گرفته است که باید با تسلیم باج‌خواهی داعش شود یا اینکه تمام‌قد علیه این گروه تروریست و دیگر تروریست‌های بنیادگرایی که متأسفانه در سال‌های اخیر در این کشور ریشه دوانده و پایگاه‌های امنی داشته‌اند، وارد عمل شود. این نیز برای دولت آنکارا میسر نمی‌شود مگر آنکه فقیله جنگ با اقلیت کرد ساکن در جنوب و جنوب‌شرقی کشور را پایین کشیده و با حفظ همستگی ملی، جنگ با تروریسم جهادی را به‌دور از ریاکاری‌های مرسوم آغاز کند. مدارا و تعامل با تروریسم داعشی به‌نوعی بازی با آتش است به همین دلیل برای اجتناب از به‌خطرآفتادن ثبات و امنیت ترکیه، رهبران این کشور باید با تمام قدرت وارد بازی شوند و تمام گلوگاه‌های این گروه و سلول‌های آن در ترکیه را به‌شدت زیر فشار قرار دهند.

یادداشت

ریو، امن یا ناامن؟



هادی فیروزی

هرچند مسئولان امنیتی برزیل معتقدند خطرات امنیتی و تروریستی، المپیک ریودوژانیرو را تهدید نمی‌کند، اما پیام‌های تهدیدآمیزی که تروریست‌ها هزارچندگاهی منتشر می‌کنند، خواب آرام را از چشمان میزبان المپیک می‌رباید و هر انفجار انتحاری‌ای در اروپا یا آمریکا به‌منزله هشدارِی برای برزیلی‌هاست. در ماه آوریل اعلام شده بود که تروریست‌ها در پیامی گفته‌اند هدف بعدی‌شان بازی‌های المپیک است. «مکسیم اوشار» نیز که تبعه فرانسه و معروف به جلاّد داعش است، نوامبر سال ۲۰۱۵ در تویتِر تهدید کرد که امنیت برزیل را به خطر خواهد انداخت. اوشار در پیام تویتِری خود نوشته بود: «برزیل… شما هدف بعدی ما خواهید بود».

بااین‌حال دولت برزیل می‌کوشد ذهن مردم خود، میهمانان و ورزشکاران را آرام کند و بیان کرده است که تمهیدات لازم برای دفع‌اع از این کشور در زمان برگزاری بازی‌ها اندیشیده شده و برگزاری بازی‌های امنیتی این کشور از قبل اطلاعاتی در مورد احتمال اقدام تروریستی توسط داعش را رصد کرده بودند. از طرف دیگر هشدارهای امنیتی دولت آمریکا به شهروندان این کشور برای سفر نکردن یا احتیاط بیشتر برای حضور در اماکن عمومی ترکیه در طول چند هفته گذشته، اثبات‌کننده این معادست که حوزه عملیات تروریستی داعش به عمق خاک ترکیه کشیده شده است. در کنار این موضوع نباید این نکته را هم فراموش کرد که فشار روسیه و متحدان

رانول جانگمن، وزیر دفاع برزیل، تأکید کرده است که آژانس‌های اطلاعاتی برزیل در کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه فعال هستند. او در این‌باره اظهار کرد: «ارگان‌های اطلاعاتی ما قراردادی را با برخی از کشورها امضا کرده‌اند. هیچ تهدیدی در رادارهای ما وجود نداشته است». یک مقام ارشد دفاعی برزیل نیز اعلام کرد که دولت این کشور هیچ اقدام تروریستی‌ای که رقابت‌های المپیک ریو را در ماه آگوست تهدید کند کشف نکرده است.

«لوئیز آلبرتو سالابری»، مدیر دفتر مبارزه با تروریسم برزیل، در بیانیه‌ای با بیان اینکه خطرات و تهدیدها در چندماه گذشته جدی‌تر شده است، افزود: «دفتر مبارزه با تروریسم تدابیر لازم را برای جلوگیری از وقوع محلات تروریستی احتمالی اندیشیده است که یکی از آنها

مبادله اطلاعات با نیروهای امنیتی خارجی و ارتقای سطح آموزش نظامی است». برزیل تاکنون به‌ندرت مورد حمله تروریستی قرار گرفته است. برزیل کشوری بی‌طرف است و شرایط جغرافیایی آن نیز ایجاب می‌کند که زیاد درگیر این نوع مشکلات نباشد. برخی کارشناسان نظامی معتقدند که مسئولان آن کشور خطر احتمال حمله تروریست‌ها به استادیوم‌ها، زیرساخت‌ها یا ورزشکاران یا گردشگران را به‌خوبی درک نکرده‌اند. این در حالی است که مسابقات جام‌جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۵ به موفقیت کامل در برزیل برگزار شد. پیش از حملات اخیر تروریست‌ها به پاریس و بلژیک، موضوع ویروس زیکا و نیز نگرانی در مورد افزایش دزدی و دیگر جرائم در زمان برگزاری بازی‌ها بیشترین دغدغه خاطر مسئولان برزیلی بود. رقابت‌های المپیک ۲۰۱۶ از پنجم تا بیست‌ویکم آگوست در ریودوژانیرو برگزار و پیش‌بینی می‌شود که حدود ۶۰۰ هزار توریست خارجی در بازی‌های المپیک ریو حضور پیدا کنند.



AP

«احمد ابوالغیط»، دبیرکل جدید اتحادیه عرب، با اشاره به بحران خاورمیانه مطرح کرد:

باید به یک توافق روسی–عربی–آمریکایی رسید

برای هر دو طرف در نظر گرفت، می‌توان طرحی مشترک برای بازگرداندن آوارگان تنظیم کرد. به گمان من، اروپایی‌ها و غربی‌ها در کل بیشتر خواهند چنین طرح‌هایی هستند؛ چراکه می‌خواهند مسئله مهاجرت‌ها را حل کنند.
ک تعداد آوارگان عرب چنان‌که شما گفتید، به ۵ میلیون نفر رسیده است. اتحادیه عرب برای کاهش رنج‌های آنها و حل مشکلات‌شان چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

تمایل دارم در اولین فرصت از نزدیک وضعیت اینس آواره‌ها، به‌ویژه آواره‌های سوری را مشاهده کنم. نمی‌شود که برای مثال «بان کی‌مون»، دبیرکل سازمان ملل، با آنها دیدار کند؛ اما دبیرکل اتحادیه عرب به سراغ‌شان نرود.

ک شما گفتید برای بازگرداندن همبستگی عربی باید در ابتدا بر یک مجموعه خاص تمرکز کرد. این مجموعه خاص شامل مصر، امارات، عربستان، الجزایر، مراکش و اردن است؟ چه دولت‌های دیگری می‌توانند این هسته مرکزی را شکل دهند؟

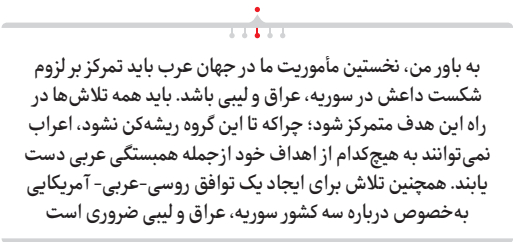
چنان‌که گفتم شرایط بسیار دشوار است؛ اما باید از یک جایی کار را شروع کرد. نباید منظر ماند تا مشکلات خودبه‌خود حل شود. تاکنون، هسته اولیه این طرح، خلاصه و مجمل بوده است. می‌توان آن را ائتلاف کشورهای عربی که تمایل به این همبستگی دارند، دانست؛ اما این کشورها باید جمع شوند و روح جدیدی پیدا کنند که لازمه آن ترجیح‌دادن منافع ملی والاتر بر منافع زودگذر است.

ک به نظر می‌رسد مجموعه کشورهای حوزه خلیج فارس همبستگی و ارتباط بیشتری با هم دارند. چگونه می‌توان بین این کشورها با سایر کشورهای عرب همبستگی ایجاد کرد؟

شاید بتوان مصوبه‌ای ارائه داد که از این به بعد، دبیرکل اتحادیه عرب بتواند در کنفرانس‌های خاص دولت‌های حاشیه خلیج فارس یا دولت‌های مغرب عربی حضور داشته باشد. این البته پیشنهاد جدیدی است که باید بررسی شود و می‌تواند نتایج عملی زیادی را به همراه داشته باشد.

ک در پرتو اینس حجم فزاینده، تناقضات منطقه‌ای و دخالت‌های خارجی، از ترکیه گرفته تا اسرائیل، چگونه می‌توان کشورهای عرب را به ثبات رساند؟

هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه با این دخالت‌ها مقابله شود و اراده کشورهای عرب به صورت یک سیاست واحد خود را نشان دهد تا بتواند از منافع ولای میهن عربی دفاع کند. به نظر من لازم است ما در این راه گام برداریم. از سوی دیگر باید کشورهای عرب دست به خودسازی بزنند. آنها باید به حقوق شهروندی احترام بگذارند و در داخل کشورشان جوامعی



ک تا چه حدی معتقدید ایجاد یک توافق روسی–آمریکایی برای حل بحران‌های سه کشور یادشده، جدی و واقعی است؟

به اعتقاد من این یک هدف جدی است؛ چراکه هر جنگی لاجرم باید روزی به پایان برسد. تردیدی وجود ندارد که جهان از استمرار جنگ در سوریه با یمن خسته شده است. تعداد آوارگان از مرز ۶۵ میلیون نفر فراتر رفته و فقط ۱۵۵ میلیون نفر از آنان عرب هستند. بیشتر اینها نیز کسانی‌اند که از سوریه گریخته‌اند. به نظر من چیزی که فقدان احساس می‌شود، یک همکاری عربی و د سطح سازمان ملل است که دراین‌باره راهکارهایی پیشنهاد بدهد؛ ازاین‌رو یکی از نخستین برنامه‌های من، ارائه این طرح و ایجاد هماهنگی مشترک بین اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد است.

ک بحران سوریه به کشورهای همسایه یعنی اردن، لبنان و عراق سرایت کرده است. آیا اعراب می‌توانند انتظار راه‌حلی برای آن داشته باشند؟ آیا شما قصد دارید سوریه را دوباره به اتحادیه عرب بازگردانید؟ لازمه بازگرداندن سوریه به کرسی‌اش در اتحادیه عرب، برگرداندن نظر کشورهایی است که علیه سوریه رأی داده‌اند. تردیدی وجود ندارد که توافق دولت سوریه و مخالفان روی یک نقشه راه، برای پیمودن یک مرحله انتقالی در آینده سوریه می‌تواند راه را برای این هدف باز کند و به‌طور طبیعی سوریه را به کرسی خودش در اتحادیه عرب بازگرداند.

ازاین‌رو معتقدم اتحادیه عرب باید نقش مهمی در ایجاد توافق بین مخالفان و دولت سوریه بعد از شکست داعش داشته باشد. می‌توان یک نیروی صلح عربی برای تأمین ثبات در سوریه فرستاد یا مشوق‌هایی را

«احمد ابوالغیط»، آخرین نخست‌وزیر «حسنی مبارک»، رئیس‌جمهوری سابق مصر بود که اسفند سال گذشته به دبیرکلی اتحادیه عرب و جانشینی «نبیل العربی» برگزیده شد. او یکشنبه گذشته به صورت رسمی کار خود را شروع کرد. ابوالغیط متولد سال ۱۹۴۲، از سال ۲۰۰۴ که دولت احمد نظیف بر سر کار آمد، به مدت هفت سال در سمت وزیر خارجه مصر انجام وظیفه می‌کرد. او دیپلماتی کارکشته و باسابقه در تاریخ معاصر مصر است. گفته می‌شود در نشست اتحادیه عرب، همه کشورهای عربی، به استثنای قطر، به او رأی مثبت داده‌اند. روزنامه «الاهرام» به مناسبت شروع به‌کار او در مقام دبیرکلی اتحادیه عرب، با او گفت‌وگویی کرده است که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

ک می‌توانید در چند سطر، اوضاع کلی کشورهای عرب را برای ما ترسیم کنید؟

به‌سختی می‌شود این اوضاع را توصیف کرد؛ چراکه کشورهای عرب سال‌هاست از مشکلات متعددی رنج می‌برند. برخی واحدهای سیاسی بزرگ مثل عراق، سوریه و لیبی ویران شده‌اند. در شمال آفریقا، جهان عرب با دو خطر بزرگ تجزیه لیبی و تبدیل آن به دولت‌های کوچک مواجه است. از سوی دیگر، خطر سازمان‌های تروریستی مثل «بوکوحرام»، «داعش» و «القاعده» وجود دارد. این گروه‌ها با هم بیعت کرده و قصد دارند بر دولت‌های شمال آفریقا مسلط شوند. در خلیج فارس ما با قتل وزن ایران مواجه هستیم. پیام اخیر قاسم سلیمانی (فرمانده سپاه قدس ایران) برای بحرین و ایجاد یک حرکت انقلابی جدید، خطرناک بود. از طرف دیگر، در یمن با یک جنگ داخلی روبه‌رو هستیم. در کنار همه اینها باید به دخالت‌های ترکیه در شمال عراق و شمال سوریه نیز اشاره کرد.

ک به نظر می‌رسد جنگ داخلی یمن و سوریه بزرگ‌ترین پرونده‌هایی است که روبه‌روی شما قرار دارد. چگونه می‌شود به این بحران‌ها نزدیک شد؟

به باور من، نخستین مأموریت ما در جهان عرب باید تمرکز بر لزوم شکست داعش در سوریه، عراق و لیبی باشد. باید همه تلاش‌ها در راه این هدف متمرکز شود؛ چراکه تا این گروه ریشه‌کن نشود، اعراب نمی‌توانند به هیچ‌کدام از اهداف خود ازجمله همبستگی عربی دست یابند. به گمان من، دومین مأموریت باید متوقف‌کردن دخالت‌های خارجی در امور کشورهای عرب باشد. مسئله سوم تلاش برای ایجاد یک توافق روسی–عربی–آمریکایی به‌خصوص درباره سه کشور سوریه، عراق و لیبی است. همان‌طور‌که تهدید برخی طرف‌ها به تجهیز نیروهای مخالف سوری به موشک‌های زمین‌به‌هوا در همین زمینه تفسیرشدنی است؛ زیرا ما خواهیم جلوی حمایت نیروی هوایی روسیه را از ارتش سوریه بگیرند.

ک تا چه حدی معتقدید ایجاد یک توافق روسی–آمریکایی برای حل بحران‌های سه کشور یادشده، جدی و واقعی است؟

به اعتقاد من این یک هدف جدی است؛ چراکه هر جنگی لاجرم باید روزی به پایان برسد. تردیدی وجود ندارد که جهان از استمرار جنگ در سوریه با یمن خسته شده است. تعداد آوارگان از مرز ۶۵ میلیون نفر فراتر رفته و فقط ۱۵۵ میلیون نفر از آنان عرب هستند. بیشتر اینها نیز کسانی‌اند که از سوریه گریخته‌اند. به نظر من چیزی که فقدان احساس می‌شود، یک همکاری عربی و د سطح سازمان ملل است که دراین‌باره راهکارهایی پیشنهاد بدهد؛ ازاین‌رو یکی از نخستین برنامه‌های من، ارائه این طرح و ایجاد هماهنگی مشترک بین اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد است.

ک بحران سوریه به کشورهای همسایه یعنی اردن، لبنان و عراق سرایت کرده است. آیا اعراب می‌توانند انتظار راه‌حلی برای آن داشته باشند؟ آیا شما قصد دارید سوریه را دوباره به اتحادیه عرب بازگردانید؟ لازمه بازگرداندن سوریه به کرسی‌اش در اتحادیه عرب، برگرداندن نظر کشورهایی است که علیه سوریه رأی داده‌اند. تردیدی وجود ندارد که توافق دولت سوریه و مخالفان روی یک نقشه راه، برای پیمودن یک مرحله انتقالی در آینده سوریه می‌تواند راه را برای این هدف باز کند و به‌طور طبیعی سوریه را به کرسی خودش در اتحادیه عرب بازگرداند.

ازاین‌رو معتقدم اتحادیه عرب باید نقش مهمی در ایجاد توافق بین مخالفان و دولت سوریه بعد از شکست داعش داشته باشد. می‌توان یک نیروی صلح عربی برای تأمین ثبات در سوریه فرستاد یا مشوق‌هایی را